

گلچین عرفان



مروری بر مضامین لوح هرئیک

محمد افنان

لوح هرئیک خطاب به جورج دیوید هاردگ Georg David Hardegg، از پیشوایان گروهی از مسیحیان جنوب آلمان و از بنیان‌گذاران شعبهٔ هیکلیون Templers آلمانی در حیفا-فلسطین است، که در سال ۱۸۶۳ به فاصلهٔ کمی از ورود حضرت بهاءالله به ارض موعود در آن سرزمین به همراهی دوست و همکارش، کریستف هافمن Christoph Hoffman، و پیروانشان در انتظار رجعت مسیح موعود از آسمان به اراضی مقدسه آمدند. هاردگ همراه با پیروانش در حیفا مسکن گزیدند. هاردگ در لهجه مرسوم در جنوب آلمان هرئیک تلفظ میشود.^۱ این لوح مبارک حاوی اشارات متعدد از مطالب و بشارات وارده در کتب مقدسهٔ مسیحی است، و بنابر این آشنایی با اصطلاحات وارده در آن اسفار جلیل به فهم مطالب کمک شایان می‌نماید. از آنجا که مخاطب، یعنی هاردگ، از معارف مسیحی و اصطلاحات روحانی مطلع است، لحن کلام حاوی بسیاری از مصطلحات بدیع بهائی است که از آن جمله میتوان "هدیر الورقا علی الافنان"،

"خیر ماء الحیوان"، "معین مشیه مالک امکان"، "حکمة و بیان"، "کلمة الله"، "جذب کلمه رب"، "بحر اعظم"، "اذن فطرة"، "عرف بیان"، "منقطعاً عن الامکان"، "غیاهب الکلمات بالرموز و الاشارات"، "ظهور نور احديه بین البریه"، "آیه القدم بین الامم"، "استقامة کبری"، "حیوة ابدیه"، "اذن واعیه"، "بساط واحد" و بسیاری اشارات و نکات دیگر که در متن این اثر مبارک مندرج است را نام برد.

از ابتدای لوح چنین معلوم میشود که هرتیک معروضه‌ای به حضور مبارک تقدیم داشته که از همان ابتدا با عنوان "کتاب مختوم" به آن اشاره فرموده‌اند. عنوان "مظلوم" اصطلاحی است که در آثار مبارکه جمال اقدس ابهی مکرراً به حضرتش اطلاق شده است.

حضرتش خلوص نیت مشارالیه را ستوده‌اند و به اهمیت نکات پوشیده و مستور در لوح مسطور، که همان کلمات و افاضات حضرت مسیح است، تأکید فرموده‌اند مقصود از هدیر ورقا آثار و آیات نازله از قلم مبارک، و رقاء فردوس الهی، یعنی جمال اقدس ابهی، است. عنوان «حبیب»، که او را به آن مخاطب فرموده‌اند، اصطلاحی است که در ادب عربی و فارسی برای دوستان یکدل به کار می‌رود و در معارف مسیحی لقب یوحنا حواری نیز می‌باشد و مسلماً موقعیت ایمانی و اخلاص نیت هرتیک مناسب آن بوده که به این خطاب مستطاب خوانده شود و به علت شوق انتظاری که صادقانه و مخلصانه به نزول مسیح موعود از آسمان داشته این چنین مورد عنایت حق جلّ جلاله واقع شده باشد، شاید که برکات عنایت الهی او را به مقام وصول به حقیقت موقّق دارد، اگرچه صدق انتظار او را از تعلّقات و تصوّرات وهم‌آلود که همواره گریبان‌گیر بسیاری از پیشوایان دین در ایام ظهور مظاهر الهی است رها نساخته است. عنوان «حبیب» در معارف بهائی کاربردی وسیع دارد و اصطلاحات «احباب» و «احباء» که به جمع بهائیان اطلاق می‌شود صورت جمع کلمه «حبیب» است. «کلمة الله» که در انجیل و قرآن لقب حضرت مسیح است مفهوم کلی اوّل‌صادر از عالم الهی است؛ و به همین سبب به مظهر ظهور و کلام و بیان او اطلاق شده و می‌شود. مقصود از «اوّل من آمن»، که بنفسه اصطلاحی بدیع و متضمّن مفهومی مخصوص و دقیق است، در این مقام به جناب پطرس حواری اطلاق شده. جمال قدم اقبال و انقطاع او را شایسته

توجه و تأسی اهل ایمان که آنان را «حیتان بحر اعظم» محسوب فرموده دانسته‌اند و سپس از خودخواهی اکثر مردمان که از توجه به مالک اسماء (مظهر ظهور الهی) محروم شده‌اند یاد فرموده و اطمینان می‌دهند که اگر کسی به چشم بصیرت در ظهور حضرتش نظر کند به بیان «سبحان ربی الاعلی» به ستایش حق خواهد برخاست. اصطلاح «عارف» در معارف امر بدیع به نفوسی اطلاق شده که حق را بشناسند و در این مورد عارف و عرفان ارتباطی به اصطلاح متداول در معارف ادبی فارسی که به عرفان در مقابل شرع و دین معمول و متداول است اشاره ندارد. کلمه «حبر»، که در فارسی معمول نیست، اصطلاحی است که به دانشمند و پیشوای دینی اطلاق شده و در عربی «حبر اعظم» لقب پاپ، پیشوای فرقه کاتولیک است.

در آیات بعد ذکر تبشیر بر و بحر به برالله، یعنی نیکوکار موعود الهی و وعده به قیام مطهر علل، یعنی شفا بخش دردها مذکور شده، چه که بانی هیکل که مقرر است ظاهر شود آمده است. میقات موعود امتها فرا رسیده و کرمل صیحه زده و آنان که گوش شنوا دارند سعادت‌مندند. بی‌شک اگر کسی به گوش خدادادی گوش فرا دهد حتی از صخره و سنگ شهادت ظهور را خواهد شنید.^۲ سپس اشاره می‌فرمایند که با اینکه این آیات و علامات ظاهر شده و مردم آن را می‌بینند اما پیام را نمی‌دانند و در نمی‌یابند؛ و به سر تنکیس که در آثار مبارکه مکرر ذکر شده و حکایت از تنزل صدرنشینان و ترقی فرودستان دارد اشاره و تأکید می‌فرمایند. این مفهوم در کتب مقدس قبل نیز مذکور است و در انجیل مخصوصاً میتوان آن را زیارت کرد، آنجا که می‌فرماید: "بسا اولین که آخرین می‌گردند، و آخرین که اولین."^۳ و شاهد بر آن را انکار علماء و فضلا و ادبا در عهد حضرت مسیح ذکر می‌فرمایند، در حالی که آن که به صید ماهی مشغول بود به ایمان ممتاز شد، و این اشاره ضمنی به نخستین و برجسته‌ترین حواری، یعنی جناب پطرس، است. سپس به عظمت امر و امتحانات آن اشاره می‌فرمایند که پطرس نیز، با علو شأن و مقام، در هنگام پرسش از ایمان او از اظهار ایمان خودداری نمود.^۴ سپس او را نصیحت می‌فرمایند که اگر خالصاً برای خدا به آنچه تحقق یافته بیانید نور ظهور را مُشرق و تابنده در مقابل خود خواهد دید، زیرا حق ظاهرتر

از آن است که حجابها او را بپوشاند و راه واضح‌تر از این است که تاریکی او را از دیدن محروم سازد، و آنان که از شناسائی محروم ماندند، آنانند که به هواها و خیالات خود در خواب غفلت مانده‌اند، اما زود است که به هوش آیند و بشتابند، اما نیابند، و خوشا به حال آنان که ظهور حضرتش را دریافتند و به آنچه صاحبان خلوص رسیدند فائز شدند. مقصود از آراسته‌شدن صاد کلمه صلح به الف قائمه اشاره به کلمه «صالح» است که در انجیل متی^۵ مذکور است که شخصی حضرت مسیح را استاد نیکوکار (صالح) خواند و حضرتش این مقام را از خود سلب فرمود و در این مقام تحقق ظهور او ذکر شده است و لوح منشور اشاره به کتاب انجیل است.

بیان مبارک در ادامه مطلب اشاره به ظهور حضرت باب (فتح باب السماء) و تحقق ملکوت اسماء در عالم امکانی و اتمام امرالله دارد. با اتصال هاء (هاء هویه) به الف مبسوطه‌ای که به نقطه آراسته است (مقصود حرف باء است) نام مبارک بهاء از آن ظاهر و آن اسم مخزون و نهفته و سر مکنون پوشیده و رمز مصون و محفوظ الهی است که نقطه وجود است و کل شیئی از آن ظاهر شده و به او راجع میشود.

سپس با اشاره به گفتار کلمه (مقصود حضرت مسیح است) که ظهور معزی را وعده فرموده میفرمایند و این اسم و عنوان در این لوح مبارک چنین مذکور که سر هفتاد به تاج چهل آراسته شد و به هفتی که قبل از ده مقرر شده پیوست، که اگر به حساب ابجد محاسبه شود: هفتاد مساوی ع (عین)، و چهل نمودار م (میم) و هفت معادل ز (زاء) و ده نموداری (یاء) است. «معزی» که حاصل این رمز عددی است، مدلول آیات انجیل یوحنا (۶) و در فارسی به روح تسلی‌دهنده و روح راستی ترجمه شده و آن را معادل Paraclitus دانسته‌اند که در عربی به صورت فارقلیط درآمده است.

سپس او را که به پرواز در هوا و فضای شناسائی حق برخاسته یادآوری میفرمایند که عرفان مظهر الهی که مظهر جمع و وحدت ضدین است، او را به چنان جذب و شوری خواهد رسانید که در هواهای قرب و قدس الهی طیران خواهد نمود. مظهر الهی ظاهر مستور و مشرق محجوب است، یعنی جامع اضداد است.

هرتیک در ضمن عریضه اشاره به ظلمت و تاریکی مذکور در انجیل نموده،^۶ و جمال اقدس ابهی ضمن تأیید وقوع آن به آنان که به نور مُشرق از افق رحمت الهی روشنی یافته‌اند بشارت داده و ظلمت را به اوهام که مانع اقبال مردم به ملکوت‌الله است تعبیر فرموده‌اند.

آیات اخیر لوح اشارات واضح به وحدت حقیقت انبیاء و رُسل دارد و بیان اینکه اگر اختلافی هست به مناسبت تفاوت آئینه‌هایی است که حق در آن تجلی مینماید، و اگر رمز این اسرار پوشیده بیان شود اضطراب آنان را که افکار خود را پسندیده و آنچه را ربّ (ربّ‌الجنود) خواسته فراموش کرده‌اند فرا خواهد گرفت.

سپس او را به کمال محبّت نصیحت میفرمایند که اگر به استقامت تمام در امر الهی قیام نماید، از او نیز هر آنچه در گذشته‌ها (انتصارات روحانی حواریون حضرت مسیح) ظهور نمود، ظاهر خواهد شد، و بالاخره به بیانی دوستانه او را متذکر میدارند که طیر الهی در چنگال ظلم و نفاق، بدون آنکه آشیانی داشته باشد، مبتلاست و فضائی نیست تا در آن به پرواز آید. اما در چنین حالتی مردمان را به حیات جاودانی رهنمائی میفرماید و خوشا به حال آنان که گوش شنوا دارند و در آخرین کلام در حقّ او مشفقانه دعا میفرمایند که از خدا می‌خواهیم که همه ما را در یک بساط مجتمع فرماید و به رضای خود تأیید دهد.

یادداشت‌ها

۱. برای شرح تفصیلی فعالیت‌ها و اقدامات G.D. Hardegg به کتاب نفیس و محققانه دکتر موژان مؤمن که تحت عنوان *The Bábí and Bahá'í Religions: 1844-1944* به چاپ رسیده مراجعه فرمائید. ترجمه نارسائی از این لوح مبارک که توسط فردی از مبشرین انگلیسی در همان ایام تهیه شده در ضمن صفحات ۲۱۶ و ۲۱۷ همان کتاب آمده است.

۲. عموم این اشارات مبتنی بر بشارت موجود در کُتب عهد عتیق است. از جمله میتوان به کتاب اشعیاء نبی، بابهای ۳۵ و ۶۵ و کتاب ملاکی، باب سوم، مراجعه نمود.

۳. انجیل متی، باب ۱۹، آیه ۳۰. این مفهوم را در آیات دیگر نیز میتوان سراغ کرد (متی، باب ۸، آیات ۱۱ و ۱۲ - و انجیل لوقا، باب ۲، آیه ۳۴).
۴. انجیل متی، باب ۲۶، آیات ۶۹ تا ۷۵.
۵. انجیل متی، باب ۱۹، آیات ۱۵ تا ۱۷.
۶. انجیل یوحنا، بابهای ۱۴ و ۱۵ و ۱۶. اگرچه از این بحث خارج است، ولی اختراع شخصیتی جدید مجزاً از نفس مقدس حضرت مسیح و تسمیه به نام روح القدس و ایجاد اساسی تازه به نام اقانیم ثلاثه و تثلیث مخالف روح توحید مشترک در همه ادیان است. روح القدس همان نفس مبارک مسیحایی است و معزی (روح تسلی دهنده) و روح الحق (روح راستی) مقصود ظهوری است که مسیح وعده فرموده است.
۷. انجیل متی، باب ۲۴، آیه ۲۹.